

نقش واسطه‌ای مشکلات بین‌شخصی در رابطه بین سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی

Mediating role of interpersonal problems on the relationship between parenting styles and marital problems

Mohammad Ali Besharat

University of Tehran

Mitra Kamran

Clinical Psychology

محمد علی بشارت*

دانشگاه تهران

میترا کامران

روانشناسی بالینی

چکیده: تعامل‌های بین اعضای خانواده در کودکی، به‌ویژه رابطه والدین-کودک، بر چگونگی رفتار افراد در روابط بین‌شخصی در بزرگسالی تأثیر می‌گذارد. کیفیت روابط زوجین از سبک‌های والدگری و مشکلات بین‌شخصی برخاسته از آنها تأثیر می‌پذیرد. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای مشکلات بین‌شخصی در رابطه بین سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی بود. تعداد ۲۴۹ زن و مرد تهرانی (۹۳ مرد، ۱۵۶ زن) مراجعه‌کننده به دادگاه‌های خانواده در این پژوهش شرکت کردند. شرکت‌کنندگان، پرسشنامه اقتدار والدین (PAQ)، فرم کوتاه پرسشنامه مشکلات بین‌شخصی (IIP-۳۰) و مقیاس وضعیت زناشویی گلوبوک-راست (GRIMS) را تکمیل کردند. نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک والدگری مقتدرانه والدین و مشکلات زناشویی فرزندان رابطه منفی معنادار و بین سبک والدگری آمرانه و مشکلات زناشویی فرزندان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش، رابطه بین سبک والدگری سهل‌گیرانه و مشکلات زناشویی را منفی اما غیر معنادار نشان داد. بر اساس نتایج این پژوهش، مشکلات بین‌شخصی با مشکلات زناشویی رابطه مثبت معنادار داشت. تحلیل‌های آماری همچنین نشان داد که مشکلات بین‌شخصی در رابطه بین سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی فرزندان نقش واسطه‌ای دارند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که بعضی از سبک‌های والدگری ممکن است باعث شکل‌گیری مشکلات بین‌شخصی شوند و از طریق مشکلات بین‌شخصی در مراحل بعدی زندگی زمینه مشکلات زناشویی و نارضایتی‌های زوجین و خانواده‌ها را فراهم سازند. واژه‌های کلیدی: مشکل بین‌شخصی، والدگری، مشکل زناشویی، رابطه زوجین

Abstract: Interactions between family members in childhood, especially the parent-child relationship, affects how individuals behave in interpersonal relationships in adulthood. The aim of the present study was to examine the mediating role of interpersonal problems in the relationship between parenting styles and marital problems. A total of 249 volunteers (93 men, 156 women) from Tehran family courts participated in this study. All participants were asked to complete Parental Authority Questionnaire (PAQ), Inventory of Interpersonal Problems (IIP-30), and Golombok Rust Inventory of Marital State (GRIMS). Authoritative parenting style showed a significant negative association with marital problems while authoritarian parenting style was significantly in positive association with marital problems. Permissive parenting style showed a negative association with marital problems; however it was not statistically significant. Interpersonal problems also showed a significant positive association with marital problems. Analysis of the data revealed that interpersonal problems mediated the relationship between parenting styles and marital problems. Based on the results of the present study, it can be concluded that some kind of parenting styles might develop interpersonal problems. Marital problems and couples' dissatisfaction could be consequences of such problems in the later stages of life.

Keywords: interpersonal problem, parenting, marital problem, couple relationship

مقدمه

رضایت زناشویی^۱، یک تجربه شخصی در ازدواج است که تنها توسط خود فرد در پاسخ به میزان لذت رابطه زناشویی قابل ارزیابی است. رضایت زناشویی، نه تنها بر سلامت روانی^۲ زوجین، بلکه بر سلامت روانی فرزندان آنها و کیفیت کلی زندگی خانواده نیز تأثیر می‌گذارد (رابلز، اسلچر، ترمبلو و مک‌گین، ۲۰۱۴). بر عکس، اگر ازدواج و زندگی خانوادگی زمینه مساعدی را برای ارضای نیازهای روانی زوجین ایجاد نکند، نه تنها بهداشت روانی تحقق نمی‌یابد، بلکه تأثیرات منفی و گاهی جبران‌ناپذیری مانند افسردگی و خودکشی بر جای می‌گذارد (بارل، آلن، گیل و پریس، ۲۰۱۴؛ جیسول، جیلانی، شوکلا، دالا، تریپاتی و همکاران، ۲۰۱۶). مشکلات زناشویی برای هر یک از زوجین و فرزندان آنها، پیامدهای مختلفی را در پی دارد. ناسازگاری و پرخاشگری کودکان و نوجوانان (اسموکوفسکی، باکالانو، کاتر، کارولین و ایونز، ۲۰۱۷)، اختلالات خوردن و سوء مصرف مواد^۳ (باتیا و داویلا، ۲۰۱۷؛ گئورگ، فیرچیلد، کامینگ و دیویس، ۲۰۱۴) و اختلالات اضطرابی^۴ (باتیا و داویلا، ۲۰۱۷) از جمله پیامدهایی هستند که در پژوهش‌های مختلف تأیید شده‌اند. همچنین پژوهش‌ها نشان داده است که مشکلات زناشویی بر فرزندان و کیفیت رابطه آنها با والدین تأثیر می‌گذارد (بریت ویت و هالت-لانستد، ۲۰۱۷) و بین تعارضات زناشویی و مشکلات رفتاری کودکان (زمپ، میلک، دیویس و بودنمان، ۲۰۱۶) و نوجوانان (جرنیک، ساوت، الکینز، کروگر، تالی و همکاران، ۲۰۱۶؛ لوکاس-تامپسون و گئورگ، ۲۰۱۷) رابطه مثبت وجود دارد. تأثیرات اختلالات زناشویی بر آشفتگی‌ها و مشکلات متعددی که این مسائل برای فرزندان به وجود می‌آورند، ضرورت و اهمیت بررسی‌های بیشتر و دقیق‌تر عوامل تعیین‌کننده این مشکلات را برای محققان مشخص می‌کند. عوامل مختلفی مانند شناخت‌ها^۵ (اپستین و زنگ، ۲۰۱۷؛ بلانگر، لاپورت، سابورین و رایت، ۲۰۱۵)، صفات شخصیتی^۶ (ویدمان، لدرمان و گروب، ۲۰۱۷)، روابط زناشویی والدین با

همدیگر و طلاق والدین (بریت ویت و هالت-لانستد، ۲۰۱۷)، نقش تعیین‌کننده در روابط بین‌شخصی و رضایت یا نارضایتی فرزندان از زندگی زوجیشان دارند. همچنین پژوهش‌ها نقش متغیرهای نشأت گرفته از روابط اولیه فرد با والدین مانند روان‌سازهای ناسازگار اولیه^۷ و سبک‌های دلبستگی^۸ (استاتز، ولک، موس و برانیا، ۲۰۱۶؛ ایناو، ۲۰۱۴؛ باگت، شافر و موتزلفلد، ۲۰۱۵؛ بشارت، ۱۳۹۱؛ بشارت، خلیلی خضرآبادی و رضازاده، ۱۳۹۵؛ بشارت، دهقانی و تولائی، ۱۳۹۳؛ بشارت و گنجی، ۱۳۹۱؛ تایلر، ویلر، گونزالس، دامکا و میلسپ، ۲۰۱۶؛ جانسون، گالامبوس و کران، ۲۰۱۵؛ کرشمر، ولبرگ و اولدینکل، ۲۰۱۷؛ کوچن دورفر و کرنز، ۲۰۱۷) بر این اساس، گفته شده که تجربه روابط مثبت با والدین پیش‌بینی‌کننده رضایت و سازگاری در روابط بین‌شخصی در بزرگسالی است (جانسون و گالامبوس، ۲۰۱۴؛ کرشمر و همکاران، ۲۰۱۷). شواهد پژوهشی همچنین تأثیر روابط دوران کودکی، بر کیفیت روابط صمیمی در بزرگسالی را تایید کرده‌اند (بشارت، ۱۳۹۱؛ ژانگ، وانگ، زیانگ، لیو، دینگ و همکاران، ۲۰۱۵).

تجارب کودک-والدین نقش اصلی در شکل‌گیری روابط بزرگسالی به خصوص روابط زوجین افراد دارند. تعاملات اولیه فرد با افراد مهم زندگی، به‌ویژه والدین، پیش‌بینی‌کننده سطوح سازگاری یا ناسازگاری در روابط صمیمی زوجین در بزرگسالی است (آیزنبرگ، اسپینراد، و کافو-نوم، ۲۰۱۵؛ بشارت و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۳۹۵). تعامل‌های والدین با فرزندان را می‌توان در قالب نظریه‌های مربوط به والدگری^۹ و سبک‌های آن تبیین کرد. نگرش والدین در ارتباط با کودک و شکل‌گیری روابط عاطفی والدین-کودک، که در رفتارهای مختلف والدین نمود پیدا می‌کند، سبک‌های والدگری را تشکیل می‌دهند (استینبرگ و سیلک، ۲۰۰۳؛ دارلینگ و استینبرگ، ۱۹۹۳). مطالعات بررسی سبک‌های والدگری، معمولاً بر اساس طبقه‌بندی بامریند (۱۹۹۱)، در سبک‌های مقتدرانه^{۱۰}، آمرانه^{۱۱} و سهل‌گیرانه^{۱۲}، سازماندهی شده‌اند. دو بعد مستقل

7. early maladaptive schemas
8. attachment styles
9. parenting style
10. authoritative
11. authoritarian
12. permissive

1. marital satisfaction
2. mental health
3. eating disorders
4. anxiety disorders
5. cognitions
6. personality traits

پيامدهای سبک والدگری آمرانه برای این افراد به‌شمار می‌رود (پیکو و بالاز، ۲۰۱۲؛ گلاشکوف، کلتیکانگاس - جاروینن، پولکی - راباک، جوکلا، ویکاری و همکاران، ۲۰۱۷). والدگری آمرانه، همچنین تأخیر در رشد اخلاقی^{۱۰} فرزندان را در پی دارد (کوماری و خانا، ۲۰۱۶). گرایش به مصرف مواد مخدر و سایر رفتارهای ضد اجتماعی^{۱۱} در فرزندان والدین سهل‌گیر بسیار دیده می‌شود (پنا، لورنزو - بلانکو، پرز، مورلو، آریلوسنتیلان و همکاران، ۲۰۱۷).

مطالعات، رابطه بین سبک‌های والدگری و کیفیت روابط صمیمانه در بزرگسالی را تأیید کرده‌اند (کرشم و همکاران، ۲۰۱۷؛ کوچندورفر و کرنز، ۲۰۱۷). بر این اساس، می‌توان این احتمال را مطرح کرد که سبک‌های والدگری والدین، روابط زناشویی فرزندان را در بزرگسالی تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از هدف‌های پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک‌های والدگری والدین و مشکلات زناشویی فرزندان است. اما آیا این رابطه یک رابطه خطی ساده است یا متغیرهای دیگری ممکن است در رابطه بین سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی نقش واسطه‌ای داشته باشند؟ بررسی چنین نقشی می‌تواند در عین حال مکانیسم‌های تأثیرگذاری سبک‌های والدگری والدین بر مشکلات زناشویی فرزندان را مشخص کند. برای رسیدن به هدف دوم، نقش واسطه‌ای مشکلات بین‌شخصی^{۱۲} در رابطه بین سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی فرزندان در پژوهش حاضر بررسی شده است.

نظریه‌های بین‌شخصی، اهمیت روابط متقابل والدین و رفتارهای فرزندان را تأیید کرده‌اند (پاستورلی، لانسفورد، لونگو کاناکری، مالون و جیونتتا، ۲۰۱۶). توانایی کودکان برای رفتارهای مثبت در محیط اجتماعی با تجربه روابط نزدیک و صمیمانه در خانواده رابطه دارد (هیستینگز، میلر و تروکسل، ۲۰۱۵). مشکلات بین‌شخصی ریشه در تجربه‌ها و یادگیری‌های بین‌شخصی دارند (هرویتز، روزنبرگ و بارتولوميو، ۱۹۹۳). توانایی برقراری روابط بین‌شخصی تحت تأثیر روابط اولیه والدین - کودک رشد می‌یابد (پیکو و بالاز، ۲۰۱۲). مشکلات بین‌شخصی، مشکلاتی هستند که افراد در ارتباط با

پاسخگو بودن^۱ و مطالبه‌گری^۲ برای والدگری شناسایی شده‌اند (بامریند، ۱۹۸۹، ۱۹۹۱؛ مکوبی و مارتین، ۱۹۸۳). بعد اول به پرورش والدین، مهربانی و ابراز هیجان‌ها و احساسات فرزندان و میزان بیان عقیده و نظرات کودک اطلاق می‌شود. بعد مطالبه‌گری به میزان توقعات و انتظارات والدین از فرزندان و میزان اعمال نظم و مهارگری اشاره دارد. بدین ترتیب چهار سبک والدگری به‌وجود می‌آید (بشارت، هوشمند، رضازاده و غلامعلی لواسانی، ۱۳۹۴): سبک والدگری مقتدرانه (پاسخگویی زیاد، مطالبه‌گری زیاد)؛ آمرانه یا استبدادی (پاسخگویی کم، مطالبه‌گری زیاد)؛ سهل‌گیرانه (پاسخگویی زیاد، مطالبه‌گری کم)؛ و مسامحه‌کارانه^۳ (پاسخگویی کم، مطالبه‌گری کم). هر یک از سبک‌های والدگری تأثیرات اختصاصی خود را بر فرزندان دارند. رفتارها و نگرش‌های والدگری بر ویژگی‌های شخصیتی فرزندان و سازگاری آنها با محیط تأثیر می‌گذارد (رینالدی و هاو، ۲۰۱۲؛ لانسفورد، ۲۰۱۷). همچنین مطالعات متعددی نشان داده‌اند که نوجوانانی که والدین مقتدر دارند نسبت به آنهایی که والدین مقتدر ندارند مشکلات درونی مانند اضطراب و افسردگی (لابویتی، ۲۰۱۵) و برونی مانند تخلف و خشونت (توسلی، دودینگ، مادینگن، تورواردارسون و وینسلر، ۲۰۱۶) کمتری دارند.

فرزندان والدین مقتدر از نظر روانی - اجتماعی، سازگاری و شایستگی بیشتری نسبت به همسالان خود نشان می‌دهند (اسمتانا و احمد، ۲۰۱۷؛ رن و ادواردز، ۲۰۱۷). همچنین والدگری مقتدرانه با شاخص‌های مثبت سلامت روانی و بهزیستی روانشناختی^۴ (استفورد، کوه، گیل، میشر و ریچاردز، ۲۰۱۶)، مانند رضایت از زندگی (ژی، فن، وانگ و چونگ، ۲۰۱۶)، خوش‌بینی^۵ (اسموفسکی و همکاران، ۲۰۱۵)، حرمت خود^۶ (رایس و ویلیامز، ۲۰۱۷) و شادی^۷ (استفورد و همکاران، ۲۰۱۶) همراه است. فرزندان والدین مستبد، معمولاً از اعتماد به خود^۸ پایین رنج می‌برند. نارسایی در یادگیری مهارت‌های اجتماعی^۹ (بارنت، گوستاوسون، دنگ، میلس - کونس و کاکس

10. moral development

11. antisocial

12. interpersonal problems

1. responsiveness

2. demandingness

3. neglectful

4. psychological well-being

5. optimism

6. self-esteem

7. happiness

8. self confidence

9. social skills

مشکلات بین‌شخصی با مشکلات زناشویی رابطه مثبت وجود دارد؛ فرضیه پنجم) مشکلات بین‌شخصی در رابطه بین سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی نقش واسطه‌ای دارند.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی و جامعه آماری آن زنان و مردان متأهل ساکن شهر تهران بودند. تعداد ۲۹۲ زن و مرد از مراجعه‌کنندگان به سه شعبه از دادگاه‌های خانواده تهران به صورت فردی برای شرکت در پژوهش دعوت شدند. پس از جلب رضایت و همکاری کسانی که داوطلب شرکت در این پژوهش بودند، از آنها خواسته شد که پرسشنامه اقتدار والدین (PAQ)^۷، فرم کوتاه مقیاس مشکلات بین‌شخصی (IIP-30)^۸ و وضعیت زناشویی گلوبوک-راست^۹ را تکمیل کنند. به منظور کنترل اثر ترتیب و خستگی، مقیاس‌ها به تناسب با ترتیب‌های متفاوت ارائه شدند. تعداد ۴۳ شرکت‌کننده در پژوهش به دلیل پاسخ ناقص به مقیاس‌ها از تحلیل‌های آماری کنار گذاشته شدند و به این ترتیب نمونه پژوهش به ۲۴۹ نفر (۹۳ مرد، ۱۵۶ زن) تقلیل یافت. شرایط لازم برای شرکت در پژوهش عبارت بودند از: الف) رضایت برای شرکت در پژوهش؛ ب) داشتن حداقل مدرک تحصیلی دیپلم؛ ج) نداشتن بیماری روانپزشکی و یا پزشکی مستلزم مصرف دارو و نداشتن سوء‌مصرف مواد در زمان انجام پژوهش. میانگین سنی کل شرکت‌کنندگان ۳۶/۱۸ سال با دامنه ۱۹ تا ۵۶ سال و انحراف استاندارد ۶/۷؛ میانگین سن زنان ۳۴/۴۷ سال با دامنه ۱۹ تا ۵۶ سال و انحراف استاندارد ۶/۳۷ و میانگین سن مردان ۳۹/۰۶ سال با دامنه ۲۵ تا ۵۲ سال و انحراف استاندارد ۶/۲۵ بود. داده‌های پژوهش بر اساس شاخص‌ها و روش‌های آماری شامل میانگین، انحراف استاندارد، ضرایب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر تحلیل شدند.

ابزار سنجش

دیگران دارند و به پریشانی قابل ملاحظه‌ای منجر می‌شود یا با آن در ارتباط است (باونکه، ۲۰۱۵؛ هرویتز، روزنبرگ، بایر، اورنو و ویلاسور، ۱۹۸۸). در زمینه روابط بین‌شخصی، هرویتز و همکاران (۱۹۸۸)، شش بعد اساسی را مطرح می‌کنند: قاطعیت^۱، مردم‌آمیزی^۲، مهارگری^۳، صمیمیت^۴، مسؤولیت‌پذیری^۵ و اطاعت‌پذیری^۶ (گورتمن، ۱۹۹۶). شواهد پژوهشی مختلف نشان داده که روابط اولیه کودک با والدین و سبک‌های والدگری بر روابط بین‌شخصی و روابط اجتماعی فرزندان تأثیر دارد (پاستورلی و همکاران، ۲۰۱۶؛ هیستینگز و همکاران، ۲۰۱۵؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۱۵).

از سوی دیگر، افرادی که در روابط بین‌شخصی مشکل دارند هیجان‌های منفی بیشتری را تجربه می‌کنند، بیشتر مبتلا به نورزگرایی و افسردگی می‌شوند و حتی در اختلال‌های روانشناختی علائم شدیدتری را بروز می‌دهند (مارکی، مارکی، نیو و اگوست، ۲۰۱۴). سازگاری اجتماعی این افراد با خانواده، دوستان و در روابط عاشقانه به شدت ضعیف است (گورتمن، ۱۹۹۶؛ مارکی و همکاران، ۲۰۱۴). افراد دارای مشکلات بین‌شخصی در روابط زناشویی خود ناراضی‌تری و عدم انسجام بیشتری ابراز می‌کنند و در ابعاد صمیمیت و همدلی که از مؤلفه‌های روابط زناشویی رضایت‌بخش است، مشکل دارند (ویلسون، رول، استرود، و دوربین، ۲۰۱۳). بر اساس یافته‌ها و شواهد موجود، این سوال مطرح می‌شود که آیا این احتمال وجود دارد که سبک‌های والدگری ناکارآمد به واسطه مشکلات بین‌شخصی روابط زوجین را تحت تأثیر قرار دهند؟ پاسخ به این پرسش هدف و مسأله اصلی پژوهش حاضر، یعنی بررسی نقش واسطه‌ای مشکلات بین‌شخصی در رابطه بین سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی است. با توجه به ملاحظات نظری و یافته‌های پژوهشی موجود در زمینه موضوع مورد بررسی، فرضیه‌های این پژوهش به شرح زیر بررسی شدند: فرضیه اول) سبک والدگری مقتدرانه با مشکلات زناشویی رابطه منفی دارد؛ فرضیه دوم) سبک والدگری آمرانه با مشکلات زناشویی رابطه مثبت دارد؛ فرضیه سوم) سبک والدگری سهل‌گیرانه با مشکلات زناشویی رابطه مثبت دارد؛ فرضیه چهارم) بین

7. Parental Authority Questionnaire (PAQ)
8. Inventory of Interpersonal Problems-30 (IIP-30)
9. Golombok-Rust Inventory of Sexual Satate Questionnaire (GRISS)

1. assertivness
2. sociability
3. controlling
4. intimacy
5. responsibility
6. domination

صفر و حداکثر نمره ۸۴ است. نمره تراز شده آزمودنی‌ها در ۹ درجه بر حسب شدت و ضعف مشکلات زناشویی محاسبه می‌شود. در فرم فارسی این پرسشنامه نمره کل مقیاس با آلفای کرونباخ ۰/۹۲ برای نمونه‌ای از زن‌ها و ۰/۹۴ برای شوهرها محاسبه شد که نشانه همسانی درونی بالای پرسشنامه است (بشارت، ۱۳۸۰). ضرایب همبستگی بین نمره‌های آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله دو هفته برای کل آزمودنی‌ها $r = 0.77$ ، آزمودنی‌های زن $r = 0.73$ و آزمودنی‌های مرد $r = 0.75$ نشانه پایایی بازآزمایی خوب پرسشنامه است.

مقیاس مشکلات بین شخصی (IIP-30). مقیاس مشکلات بین شخصی فرم کوتاه مقیاس ۱۲۷ سوالی و ۶۰ سوالی مشکلات بین شخصی (بشارت، ۱۳۸۸؛ بشارت، محمد مهر، پوربهلول و عزیزی، ۱۳۹۱؛ هرویتز و همکاران، ۱۹۸۸)، یک آزمون ۳۰ گویه‌ای است و مشکلات بین شخصی را در شش زمینه قاطعیت^۸، مردم‌آمیزی^۹، اطاعت‌پذیری^{۱۰}، صمیمیت^{۱۱}، مسئولیت‌پذیری^{۱۲} و مهارگری^{۱۳} در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ تا ۵ (خیلی کم = ۱؛ کم = ۲؛ متوسط = ۳؛ زیاد = ۴؛ خیلی زیاد = ۵) می‌سنجد. در اعتباریابی فرم فارسی این مقیاس برای نمونه‌های دانشجویی (۱۷۳ دختر، ۱۲۴ پسر) و جمعیت عمومی (۳۸۵ زن، ۳۲۷ مرد)، ضرایب آلفای کرونباخ ماده‌های هر یک از زیرمقیاس‌ها از ۰/۶۷ تا ۰/۹۳ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی بالای مقیاس است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های دو نمونه ۹۷ و ۱۱۲ نفری در دو نوبت با فاصله دو تا شش هفته برای زیرمقیاس‌های ابزار از ۰/۶۱ تا ۰/۷۹ به‌دست آمد و در سطح $p < 0.001$ معنادار بودند (بشارت، ۱۳۹۶).

یافته‌ها

جدول ۱ ویژگی‌های آماری شرکت‌کننده‌ها را بر حسب نمره‌های سبک‌های والدگری، مشکلات بین‌شخصی و مشکلات زناشویی به تفکیک برای مردان و زنان نشان می‌دهد.

پرسشنامه اقتدار والدین (PAQ). پرسشنامه اقتدار والدین یک ابزار ۳۰ گویه‌ای است و شیوه‌های فرزندپروری را در اندازه‌های پنج درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۵ (کاملاً موافق) برحسب سه سبک اقتداری، آمرانه و سهل‌گیرانه می‌سنجد (بوری، ۱۹۹۱). این پرسشنامه نظر و برداشت فرزندان از سبک‌های فرزندپروری والدین را بررسی می‌کند. برای هر یک از والدین فرمی مخصوص توسط فرزند تکمیل می‌شود. حداقل و حداکثر نمره در هر زیرمقیاس به ترتیب ۱۰ و ۵۰ است. بوری (۱۹۹۱) ضریب پایایی بازآزمایی^۱ این پرسشنامه را برای سبک اقتداری مادر (۰/۷۸)، برای سبک اقتداری پدر (۰/۹۲)، برای سبک آمرانه مادر (۰/۸۶)، برای سبک آمرانه پدر (۰/۸۵)، برای سبک سهل‌گیرانه مادر (۰/۸۱) و برای سبک سهل‌گیرانه پدر (۰/۷۷) گزارش کرده است. در بررسی مقدماتی ویژگی‌های روانسنجی فرم فارسی این پرسشنامه در نمونه‌ای از جمعیت عمومی ($n = 778$ ؛ $\eta = 397$ زن، ۳۸۱ مرد)، ضرایب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های اقتداری، آمرانه و سهل‌گیرانه در مورد مادران به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۹ و ۰/۷۷ و در مورد پدران به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۱ و ۰/۷۳ محاسبه شد. این ضرایب همسانی درونی^۲ پرسشنامه اقتدار والدین را تایید می‌کنند (بشارت، ۱۳۹۰). روایی محتوایی^۳ پرسشنامه اقتدار والدین بر اساس داوری ده نفر از متخصصان روان‌شناسی و علوم تربیتی بررسی و ضرایب توافق‌کنندگی برای زیرمقیاس‌ها از ۰/۸۰ تا ۰/۸۹ محاسبه شد.

پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک - راست

(GRIMS). پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک - راست (راست، بنان، کرو و گلوبیک، ۱۹۸۶) یک مقیاس ۲۸ سوالی است. پرسش‌ها در مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافق = ۰، کاملاً مخالف = ۳)، مشکلات موجود در روابط زناشویی زوجین را از نمره صفر تا سه در زمینه میزان حساسیت و توجه زوجین نسبت به نیازهای یکدیگر، تعهد، وفاداری^۴، مشارکت^۵، همدردی^۶، ابراز محبت، اعتماد، صمیمیت^۷ و

8. assertiveness
9. sociability
10. submissiveness
11. intimacy
12. responsibility
13. controlling

1. test-retest reliability
2. internal consistency
3. content validity
4. loyalty
5. cooperation
6. sympathy
7. intimacy

جدول ۱

میانگین و انحراف استاندارد سبک‌های والدگری، مشکلات بین‌شخصی و مشکلات زناشویی شرکت‌کنندگان

کل		زن		مرد		متغیر / شاخص
SD	M	SD	M	SD	M	
۶/۷	۲۶/۱۶	۶/۶۹	۲۸/۸۵	۶/۷۵	۲۶/۶۲	مقتدرانه پدر
۷/۰۸	۲۷/۰۶	۶/۸۷	۲۶/۸۵	۷/۴۴	۲۷/۴۱	آمرانه پدر
۵/۱۶	۲۴/۹۷	۴/۸۲	۲۴/۳۳	۵/۵۶	۲۶/۰۵	سهل‌گیرانه پدر
۶/۷	۲۶/۷۵	۶/۵۸	۲۷	۶/۹۲	۲۶/۳۲	مقتدرانه مادر
۶/۵	۲۶/۷۶	۶/۴۳	۲۷/۲۱	۶/۵۸	۲۶/۰۱	آمرانه مادر
۵/۴۱	۲۵/۸۲	۵/۲۱	۲۵/۲۳	۵/۶۱	۲۶/۸۲	سهل‌گیرانه مادر
۱۳/۸۴	۸۱/۸۹	۱۳/۹۷	۸۰/۴۴	۱۳/۳۶	۸۴/۳۱	مشکلات بین‌شخصی
۱۳/۱۲	۴۷/۵۶	۱۳/۱۸	۴۷/۱۵	۱۳/۰۸	۴۸/۲۵	مشکلات زناشویی

با مشکلات بین‌شخصی رابطه مثبت غیرمعنادار وجود دارد. این نتایج فرضیه‌های اول، دوم و چهارم پژوهش را تایید می‌کنند ولی فرضیه سوم پژوهش تایید نمی‌شود.

ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش در جدول ۲ گزارش شده است. نتایج نشان می‌دهد که بین سبک والدگری سهل‌گیرانه پدر و مادر با مشکلات زناشویی رابطه منفی غیرمعنادار و بین سبک والدگری سهل‌گیرانه پدر و مادر

جدول ۲

ماتریس ضرایب همبستگی سبک‌های والدگری، مشکلات زناشویی و مشکلات بین‌شخصی شرکت‌کنندگان

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱- مقتدرانه پدر	-						
۲- آمرانه پدر	-.۱۱۵*	-					
۳- سهل‌گیرانه پدر	.۰۴۳**	.۰۱	-				
۴- مقتدرانه مادر	.۰۶۹**	-.۰۱۴*	.۰۳۸**	-			
۵- آمرانه مادر	-.۰۱۹**	.۰۶۶**	.۰۸	-.۰۱۲	-		
۶- سهل‌گیرانه مادر	.۰۲۶**	.۰۲	.۰۴۸**	.۰۴۳**	.۰۴	-	
۷- مشکلات زناشویی	-.۰۲۶**	.۰۲۲**	-.۰۱۰۵	-.۰۲۵**	.۰۲۱**	-.۰۱۰۵	-
۸- مشکلات بین‌شخصی	-.۰۲۹**	.۰۲۸**	.۰۰۲	-.۰۲۹**	.۰۲۹**	.۰۰۲	.۰۶۰**

** $p < .05$ * $p < .01$

پژوهش تایید می‌شود. جدول ۳ شاخص‌های برازش مدل را نشان می‌دهد. مربع کای ۱۶/۴۹، نسبت مربع کای به درجه آزادی ۷، میزان مؤلفه‌های شاخص برازندگی^۱، شاخص

برای آزمون نقش واسطه‌ای مشکلات بین‌شخصی در رابطه بین سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی از روش تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که مدل فرضی

محاسبه شد. با توجه به شاخص‌ها و خروجی‌ها می‌توان گفت مدل فرضی از برازش نسبتاً خوبی برخوردار است. این شاخص‌ها نشان می‌دهند در مجموع مدل ارائه شده مدل مناسبی است و داده‌های تجربی به خوبی با آن منطبق هستند.

برازندگی تعدیل یافته^۱، شاخص برازندگی هنجار شده^۲ و شاخص برازندگی تطبیقی^۳ نیز بیشتر از ۰/۹ است که در مدل تحت بررسی به ترتیب برابر ۰/۹۷، ۰/۹۲، ۰/۹۴ و ۰/۹۳ برآورد شد. همچنین مقدار ریشه دوم واریانس باقیمانده^۴ نیز باید کوچکتر از ۰/۱ باشد که در مدل تحت بررسی برابر ۰/۰۶۲

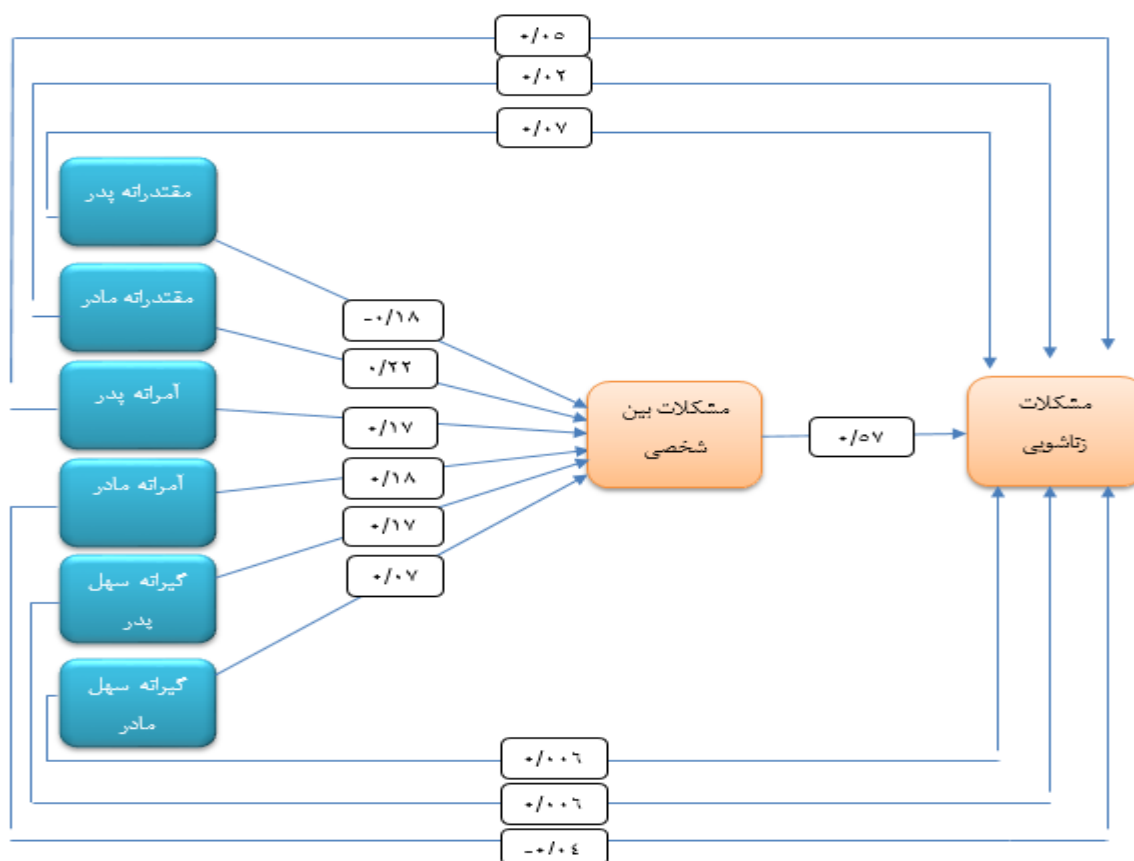
جدول ۳

شاخص‌های نیکویی برازش برای مدل فرضی نقش واسطه‌ای مشکلات بین‌شخصی در رابطه بین سبک‌های والدگری با مشکلات زناشویی

RMR	PGFI	PNFI	CFI	NNFI	NFI	AGFI	GFI	P-VALUE	df	Chi-2	RMSEA
۰/۰۶۲	۰/۲۵۸	۰/۳۶۶	۰/۹۴۸	۰/۹۰۳	۰/۹۳۶	۰/۹۲۶	۰/۹۷۶	۰/۰۰۶۱	۷	۱۶/۴۹	۰/۰۸

نمودار ۱ ضرایب استاندارد مسیرهای مستقیم برای مدل برازش یافته نقش واسطه‌ای مشکلات بین‌شخصی در رابطه بین سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی را نشان می‌دهد.

نمودار ۱ ضرایب استاندارد مسیرهای مستقیم برای مدل برازش یافته نقش واسطه‌ای مشکلات بین‌شخصی در رابطه بین سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی را نشان می‌دهد.



نمودار ۱. نقش واسطه‌ای مشکلات بین‌شخصی در رابطه بین سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی

1. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
2. Normed Fit Index (NFI)
3. Comparative Fit Index (CFI)
4. Root Mean square Residual (RMR)

بین‌شخصی ۰/۰۹۷ و اثر غیرمستقیم سبک والدگری سهل‌گیرانه پدر بر مشکلات زناشویی به واسطه مشکلات بین‌شخصی ۰/۱۰۲ به‌دست آمد که تمامی این مسیرها در سطح $p < ۰/۰۵$ معنادار هستند. به‌علاوه، تنها مسیر غیرمستقیم بین متغیر برونزاد سبک والدگری سهل‌گیرانه مادر بر متغیر درونزاد مشکلات زناشویی به واسطه مشکلات بین‌شخصی که $-۰/۰۰۱$ به‌دست آمد، معنادار نیست. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که مدل فرضی پژوهش برای نقش واسطه‌ای مشکلات بین‌شخصی در رابطه بین سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی توسط شواهد تجربی تایید می‌شود و این نتایج فرضیه پنجم پژوهش را تایید می‌کنند.

جدول ۴ ضرایب استاندارد مستقیم، غیرمستقیم و کل مدل به همراه ضریب تبیین مربوط به هر متغیر را نشان می‌دهد. با توجه به جدول ۴ می‌توان مشاهده کرد که اثرات مستقیم سبک‌های والدگری مقتدرانه پدر و مادر، مستبدانه پدر و مادر و سهل‌گیرانه پدر بر مشکلات بین‌شخصی معنادار است. همچنین اثر مستقیم مشکلات بین‌شخصی بر مشکلات زناشویی معنادار است. اثر غیرمستقیم سبک والدگری مقتدرانه پدر بر مشکلات زناشویی به واسطه مشکلات بین‌شخصی $-۰/۱۷۲$ ، اثر غیرمستقیم سبک والدگری مقتدرانه مادر بر مشکلات زناشویی به واسطه مشکلات بین‌شخصی $-۰/۱۴۵$ ، اثر غیرمستقیم سبک والدگری آمرانه پدر بر مشکلات زناشویی به واسطه مشکلات بین‌شخصی $۰/۱۴۷$ ، اثر غیرمستقیم سبک والدگری آمرانه مادر بر مشکلات زناشویی به واسطه مشکلات

جدول ۴

ضرایب استاندارد و غیراستاندارد مسیرهای مستقیم مدل فرضی نقش واسطه‌ای مشکلات بین‌شخصی در رابطه بین سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی

مسیر	B	β	T
اثر سبک والدگری مقتدرانه پدر بر مشکلات بین‌شخصی	-۰/۳۷	-۰/۱۸**	-۲/۱۶
اثر سبک والدگری مقتدرانه مادر بر مشکلات بین‌شخصی	-۰/۴۶	-۰/۲۲**	-۲/۵۷
اثر سبک والدگری آمرانه پدر بر مشکلات بین‌شخصی	۰/۳۵	۰/۱۷**	۲/۰۹
اثر سبک والدگری آمرانه مادر بر مشکلات بین‌شخصی	۰/۳۶	۰/۱۸**	۲/۱۳
اثر سبک والدگری سهل‌گیرانه پدر بر مشکلات بین‌شخصی	۰/۴۷	۰/۱۷**	۲/۴۵
اثر سبک والدگری سهل‌گیرانه مادر بر مشکلات بین‌شخصی	۰/۱۹	۰/۰۷	۱/۰۳
اثر سبک والدگری مقتدرانه پدر بر مشکلات زناشویی	-۰/۱۴	-۰/۰۷	-۰/۹۲
اثر سبک والدگری مقتدرانه مادر بر مشکلات زناشویی	-۰/۰۳	-۰/۰۲	-۰/۲۱
اثر سبک والدگری آمرانه پدر بر مشکلات زناشویی	۰/۰۹	۰/۰۵	۰/۷۵
اثر سبک والدگری آمرانه مادر بر مشکلات زناشویی	-۰/۰۱	-۰/۰۰۶	-۰/۰۹
اثر سبک والدگری سهل‌گیرانه پدر بر مشکلات زناشویی	۰/۰۲	۰/۰۰۶	۰/۱۱
اثر سبک والدگری سهل‌گیرانه مادر بر مشکلات زناشویی	-۰/۱۱	-۰/۰۴	-۰/۶۹
اثر مشکلات بین‌شخصی بر مشکلات زناشویی	۰/۵۴	۰/۵۷**	۹/۹۰

پژوهش، مشکلات بین‌شخصی با مشکلات زناشویی رابطه مثبت معنادار داشتند. تحلیل‌های آماری همچنین نشان داد که مشکلات بین‌شخصی در رابطه بین سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی نقش واسطه‌ای دارند. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های قبلی (استاتز و همکاران، ۲۰۱۶؛ باگت و همکاران، ۲۰۱۵؛ بشارت و همکاران، ۱۳۹۴؛ تایلر و همکاران، ۲۰۱۶؛ کرشمر و همکاران، ۲۰۱۷؛ کوچندورفر و

بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای مشکلات بین‌شخصی در رابطه بین سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی بود. نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک‌های والدگری مقتدرانه و مشکلات زناشویی فرزندان رابطه منفی معنادار و بین سبک‌های والدگری آمرانه و مشکلات زناشویی فرزندان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. بر اساس نتایج این

راهبردهای کارآمدتری استفاده کنند که به نوبه خود تنش کمتر و رضایت زناشویی بالاتری را به همراه خواهد داشت (مالوف و همکاران، ۲۰۱۴؛ مورلچ و ویب، ۲۰۱۶).

سبک والدگری آمرانه بر حسب دو ویژگی پاسخگویی کم و مطالبه‌گری زیاد شکل می‌گیرد (بامریند، ۱۹۸۹، ۱۹۹۱). سبک والدگری آمرانه با کنترل روان‌شناختی بدون ابراز محبت، زمینه ایجاد افسردگی را در فرزندان ایجاد می‌کند (گلاشکوف و همکاران، ۲۰۱۷). افسردگی، شانس برقراری روابط بین‌شخصی رضایت‌بخش را کاهش می‌دهد (باروس-گومز، کیمس، اسمیت، کافرکی، استیت و همکاران، ۲۰۱۶). بدرفتاری‌های عاطفی و پاسخگو نبودن والدین مستبد، احتمال خشونت عاطفی و بدرفتاری‌های کلامی و روانی فرزندان را در روابط بین‌شخصی پیش‌بینی می‌کند (پترسون، پگ، لاکس و شافر، ۲۰۱۷؛ کنی، ۲۰۱۴). بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، افراد، سبک‌های ارتباطی خصمانه را از بدرفتاری‌های والدین، در روابط بین‌شخصی خود یاد می‌گیرند (ویدوم، زاجا و دوتان، ۲۰۱۴). این زمینه‌های تربیتی، امنیت روابط دلبستگی را مختل می‌کند و سبک دلبستگی ناایمن را در فرزندان شکل می‌دهد (سیمپسون و رولز، ۲۰۱۷) و صمیمیت در روابط بین‌شخصی را کاهش می‌دهد. همین ویژگی‌ها، رابطه سبک والدگری آمرانه والدین با مشکلات زناشویی فرزندان را توجیه می‌کند.

نتایج این پژوهش نشان داد که سبک والدگری سهل‌گیرانه والدین با مشکلات زناشویی فرزندان رابطه منفی غیرمعنادار دارد. این یافته را می‌توان بر حسب چند احتمال تبیین کرد: سبک والدگری سهل‌گیرانه بر حسب دو ویژگی پاسخگویی زیاد و مطالبه‌گری کم شکل می‌گیرد (بامریند، ۱۹۸۹، ۱۹۹۱). والدین سهل‌گیر، حرمت خود فرزندان را تقویت می‌کنند (دریسکول، ۲۰۱۳؛ رایس و ویلیامز، ۲۰۱۷). حرمت خود، رفتارهای مفید اجتماعی را افزایش می‌دهد (بامریند، لارزلر و اونز، ۲۰۱۰). همچنین، سبک والدگری سهل‌گیرانه در برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی بنیادین اثر مثبت دارد (بشارت و همکاران، ۱۳۹۴؛ کوردیرو، پاکسائو، لنز، لکانت و لوکس، ۲۰۱۶). گرمی و صمیمیت در سبک والدگری سهل‌گیرانه با حمایت از خودپیروی فرزندان، به سازگاری بهتر و عملکرد روانی اجتماعی مناسب‌تر منجر خواهد شد (کوردیرو و همکاران، ۲۰۱۶). از طرفی، ممکن است سبک مقتدرانه یکی

کرنز، ۲۰۱۷؛ مادن و شفر، ۲۰۱۶) مطابقت دارند و بر حسب چند احتمال به شرح زیر تبیین می‌شوند:

سبک والدگری مقتدرانه بر حسب دو ویژگی پاسخگو بودن و مطالبه‌گری والدین مشخص می‌شود (بامریند، ۱۹۸۹، ۱۹۹۱). والدین مقتدر با سطح مناسبی از پاسخگویی و داشتن رابطه گرم و حمایتی از فرزندان شرایط را برای یادگیری رفتارهای بین‌شخصی فراهم می‌کنند (کرشمر و همکاران، ۲۰۱۷). والدین مقتدر، بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی (بندورا و مک کلند، ۱۹۷۱)، به منزله سرمشقی عملی و تجربی، روابط بین‌شخصی را به فرزندان آموزش می‌دهند. فرزندان با مشاهده رفتارهای والدین در تنبیه رفتارهای نامطلوب و یا تشویق رفتارهای تعاملی مطلوب، راه‌های برقراری روابط بین‌شخصی، همکاری با دیگران و راهبردهای حل مسأله را یاد می‌گیرند و در روابط بین‌شخصی بزرگسالی استفاده می‌کنند. علاوه بر این، والدین مقتدر در هنگام برقراری ارتباط با فرزندان، احساسات مثبت بیشتری را ابراز می‌کنند و آنها را به بیان احساسات، چه مثبت و چه منفی تشویق می‌کنند و فرصتی را برای یادگیری راه‌های مؤثر تنظیم هیجان فراهم می‌سازند (آیزنبرگ و همکاران، ۲۰۱۵). فرزندان والدین مقتدر با یادگیری رفتارهای مثبت در روابط بین‌شخصی، مخصوصاً رابطه با همسر مشکلات زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند. پاسخدهی مناسب به نیازهای کودکان و میزان مناسبی از محبت و گرمی به شکل‌گیری سبک دلبستگی ایمن در کودکان کمک می‌کند (جونز، کسیدی و شیور، ۲۰۱۵؛ سیمپسون و رولز، ۲۰۱۷). فرزندان با سبک دلبستگی ایمن، در روابط بین‌شخصی ارزیابی مفید و قابل اعتمادی از دیگران دارند (بالبی، ۱۹۶۹). این خودتنظیمی به درک هر چه بهتر هیجان‌ها و نیازهای خود و دیگران در روابط بزرگسالی و مهارت‌های اجتماعی کمک می‌کند (مالتی، آیزنبرگ، کیم و بوچمن، ۲۰۱۳). توانایی حفظ موفقیت‌آمیز، تغییر مناسب هیجان‌ها در خود و دیگران به حفظ ثبات و رضایت زناشویی کمک می‌کند (مالوف، شات و تورستیان، ۲۰۱۴؛ پولوک، خدمو، هوت-کاکس، فیلاور و بولدن، ۲۰۱۷). مقتدرانه بودن سبک والدگری، هوش هیجانی فرزندان را در فرزندان پیش‌بینی می‌کند (آرگریو، باکویانیس و تانتاروس، ۲۰۱۶؛ نوانکو و آگو، ۲۰۱۷). هوش هیجانی بالا افراد را قادر می‌سازد تا با مدیریت احساسات مانند بخشش و همدلی در تعارضات زناشویی از

می تواند رابطه سبک‌های والدگری ناکارآمد والدین را با مشکلات زناشویی فرزندان توجیه کند.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که چگونه بعضی از سبک‌های والدگری ممکن است باعث شکل‌گیری مشکلات بین‌شخصی شوند و از طریق مشکلات بین‌شخصی در مراحل بعدی زندگی زمینه مشکلات زناشویی و نارضایتی‌های زوجین و خانواده‌ها را فراهم سازند. این یافته‌ها، مکانیسم‌های احتمالی حاکم بر روابط و تعامل‌های بین متغیرهای تعیین‌کننده و تأثیرگذار بر موفقیت و شکست روابط زناشویی و روابط بین‌شخصی را تا حدودی روشن می‌کنند. این یافته‌ها می‌توانند در خدمت شناخت بهتر عوامل ایجادکننده و همبسته‌های نارضایتی زناشویی قرار گیرند و نظریه‌های مربوط به روان‌شناسی خانواده را غنی‌تر کنند. یافته‌های پژوهش حاضر همچنین می‌توانند مبنای تجربی مناسب برای تدوین برنامه‌های آموزشی و بهداشتی در چارچوب روابط والدین-فرزندان؛ برنامه‌های مداخله و مدیریت مشکلات بین‌شخصی، و برنامه‌های درمانی بر پایه روابط بین‌شخصی برای زوجین فراهم سازند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که ماهیت طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی است و به صورت مقطعی اجرا شده است. بنابراین، اسنادهای مطرح شده نمی‌توانند الزاماً علت‌شناختی تلقی شوند. نمونه مورد بررسی در این پژوهش یک نمونه از زنان و مردان متاهل مراجعه‌کننده به دادگاه‌های شهر تهران بودند که به طور داوطلب در پژوهش شرکت کردند. این محدودیت قابلیت تعمیم نتایج را محدود می‌کند. برای بررسی دقیق‌تر رابطه سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی در زمینه بررسی نقش تعدیل‌کننده و واسطه‌ای متغیرهای مهم دیگر مثل استحکام من، راهبردهای تنظیم هیجان و راهبردهای مقابله با استرس در رابطه سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی انجام شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود به منظور شناخت بهتر تأثیرات آسیب‌زای سبک‌های والدگری و مشکلات بین‌شخصی بر روابط زوجین، رابطه این دو متغیر در نمونه‌های بالینی شامل نمونه‌های مبتلا به اختلال‌های روان‌شناختی، اختلال‌های شخصیت و مشکلات خانوادگی، مورد بررسی قرار گیرند.

از والدین، اثرات منفی سبک والدگری والد سهل‌گیر را خنثی کند (توسلی و همکاران، ۲۰۱۶). ترکیب سبک والدگری سهل‌گیرانه یکی از والدین با سبک مقتدرانه والد دیگر، افزایش حرمت خود، خودپیروی و ارضا نیازهای روان‌شناختی بنیادین، می‌تواند کاهش مشکلات زناشویی فرزندان را توجیه کند.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که سبک‌های والدگری از طریق مشکلات بین‌شخصی با مشکلات زناشویی مرتبط می‌شوند. سبک‌های والدگری ناکارآمد، روابط بین‌شخصی در بزرگسالی را با مشکل مواجه می‌کنند (بارنت و همکاران، ۲۰۱۲؛ برازا و همکاران، ۲۰۱۵؛ لاوسون و بروسارت، ۲۰۱۳؛ لی و ژی، ۲۰۱۷؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۱۵). مشکلات بین‌شخصی از طریق مشکل در برقراری روابط صمیمی (ویلسون و همکاران، ۲۰۱۳)، افزایش ابتلا به نوززگرایی و افسردگی و ابراز هیجان‌های منفی بیشتر (مارکی و همکاران، ۲۰۱۴)؛ سبک‌های والدگری ناکارآمد والدین را با مشکلات زناشویی فرزندان مرتبط می‌سازند. برای مثال، افراد دارای مشکلات بین‌شخصی در روابط زناشویی خود نارضایتی و عدم انسجام بیشتری ابراز می‌کنند و در ابعاد صمیمیت و همدلی که از مؤلفه‌های روابط زناشویی رضایت‌بخش است، مشکل دارند (ویلسون و همکاران، ۲۰۱۳). زوج‌هایی که میزان صمیمیت در روابط آنها کم است ممکن است قابلیت کمتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود داشته باشند و در نتیجه در مواقع تعارض، مشکلات زناشویی بیشتری را تجربه کنند (دیکاسترا، بارلدز، رونر و ناتا، ۲۰۱۷). علاوه بر این، مشکل در فرآیند دوست‌یابی و ملحق شدن به دیگران در اجتماع از مشخصات افراد با مشکلات بین‌شخصی است که حمایت اجتماع از آنها را کاهش می‌دهد (مک‌اوی، بارگس، پیچ، ناتان و فوسلند، ۲۰۱۳). افرادی که از لحاظ اجتماعی منزوی هستند یا حمایت اجتماعی ندارند، در برابر افسرده شدن آسیب‌پذیرترند (فلت، گالفی-پچنکو، مولنر، هویت و گلداستین، ۲۰۱۲). مشکلات بین‌شخصی در افراد افسرده به طرد شدن آنها توسط اجتماع و دیگران می‌انجامد (هاپرپیچ، لنگ و اویچ، ۲۰۱۶). عدم حمایت اجتماعی، ابراز هیجان‌های منفی و ترس از صمیمیت در افراد دارای مشکلات بین‌شخصی

رضایت زناشویی. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۵۵، ۳۳۵-۳۲۴.

بشارت، م. ع.، خلیلی خضراآبادی، م. و رضازاده، م. ر. (۱۳۹۵). نقش واسطه‌ای دشواری تنظیم هیجان در رابطه بین روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه و مشکلات زناشویی. *روانشناسی خانواده*، ۶، ۴۲-۲۷.

بشارت، م. ع.، دهقانی، س. و تولائی، ف. (۱۳۹۳). نقش واسطه‌ای روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی. *روانشناسی خانواده*، ۱، ۱۸-۳.

بشارت، م. ع.، محمدمهر، ر.، پوربهبول، س. و عزیز، ل. (۱۳۹۱). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم ۶۰ سؤالی مقیاس مشکلات بین‌شخصی. *مجله دانشکده پرستاری و مامایی*، ۱۶، ۱۹-۱۰.

بشارت، م. ع.، هوشمند، ن.، رضازاده، م. ر. و غلامعلی لوسانی، م. (۱۳۹۴). نقش تعدیل‌کننده ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی در رابطه بین سبک‌های والدگری و رضایت زناشویی. *روانشناسی خانواده*، ۱، ۲۸-۱۵.

References

- Argyriou, E., Bakoyannis, G., & Tantaros, S. (2016). Parenting styles and trait emotional intelligence adolescence. *Scandinavian Journal of Psychology*, 57, 42-49.
- Baggett, E., Shaffer, A., & Muetzelfeld, H. (2015). Father-daughter parentification and young adult romantic relationships among college women. *Journal of Family Issues*, 36, 760-783.
- Bandura, A., & McClelland, D. C. (1971). *Social learning theory*. Morristown. New Jersey: General Learning Press.
- Barnett, M. A., Gustafsson, H., Deng, M., Mills-Koonce, W. R., & Cox, M. (2012). Bidirectional associations among sensitive parenting, language development, and social competence. *Infant and Child Development*, 21, 374-393.
- Barros-Gomes, P., Kimmes, J., Smith, E., Cafferky, B., Stith, S., Durtschi, J., et al. (2016). The role of depression in the relationship between psychological and physical intimate partner violence. *Journal of Interpersonal Violence*, 22, 1-25.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence

منابع

- بشارت، م. ع. (۱۳۸۰). *بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبک - راست*. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران، تهران.
- بشارت، م. ع. (۱۳۸۸). *بررسی پایایی، روایی و تحلیل عاملی فرم ۶۰ سؤالی مقیاس مشکلات بین‌شخصی در جمعیت ایرانی. روانشناسی معاصر*، ۸، ۳۶-۲۵.
- بشارت، م. ع. (۱۳۹۰). *بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه اقتدار والدین*. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران، تهران.
- بشارت، م. ع. (۱۳۹۱). *رابطه ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی در نمونه‌ای از زوجین ایرانی: نقش تعدیل‌کننده سبک‌های دلبستگی. مشاوره کاربردی*، ۳، ۱۸-۱.
- بشارت، م. ع. (۱۳۹۶). *مقیاس مشکلات بین‌شخصی - ۳۰ پرسشنامه، روش اجرا و نمره‌گذاری. روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)*، ۵۲، ۴۳۵-۴۳۳.
- بشارت، م. ع. و گنجی، پ. (۱۳۹۱). *نقش تعدیل‌کننده سبک‌های دلبستگی در رابطه بین ناگویی هیجانی و*

- and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11, 56-95.
- Baumrind, D. (1989). Rearing competent children. In W. Damon (Ed.), *Child development today and tomorrow* (pp. 349-378). San Francisco: Jossey-Bass.
- Baumrind, D., Larzelere, R. E., & Owens, E. B. (2010). Effects of preschool parents' power assertive patterns and practices on adolescent development. *Parenting: Science and Practice*, 10, 157-201.
- Bélanger, C., Laporte, L., Sabourin, S., & Wright, J. (2015). The effect of cognitive-behavioral group marital therapy on marital happiness and problem solving self-appraisal. *The American Journal of Family Therapy*, 43, 103-118.
- Bhatia, V., & Davila, J. (2017). *27 Mental health disorders in couple relationships*. In: J. Fitzgerald (Ed.), *Foundations for Couples' Therapy: Research for the Real World* (pp. 268-279). London: Routledge.
- Boehnke, K. (2015). The intergenerational transmission of interpersonal problems: An exploration. *Journal of Child and Family Studies*, 24, 29-99.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Vol. I. Attachment*. New York: Basic Books.

- Braithwaite, S., & Holt-Lunstad, J. (2017). Romantic relationships and mental health. *Current Opinion in Psychology, 13*, 120-125.
- Braza, P., Carreras, R., Muñoz, J. M., Braza, F., Azurmendi, A., Pascual-Sagastizábal, E., et al. (2015). Negative maternal and paternal parenting styles as predictors of children's behavioral problems: Moderating effects of the child's sex. *Journal of Child and Family Studies, 24*, 847-856.
- Buri, J. R. (1991). Parental Authority Questionnaire. *Journal of Personality and Social Assessment, 57*, 110-119.
- Burrell, N. A., Allen, M., Gayle, B. M., & Preiss, R. W. (2014). *Managing interpersonal conflict: Advances through meta-analysis*. London: Routledge.
- Cordeiro, P. M. G., Paixão, M. P., Lens, W., Lacante, M., & Luyckx, K. (2016). Parenting styles, identity development, and adjustment in career transitions: The mediating role of psychological needs. *Journal of Career Development, 44*, 1-15.
- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin, 113*, 487-496.
- Dijkstra, P., Barelds, D. P., Ronner, S., & Nauta, A. P. (2017). Intimate relationships of the intellectually gifted: Attachment style, conflict style, and relationship satisfaction among members of the Mensa society. *Marriage & Family Review, 53*, 262-280.
- Driscoll, L. C. (2013). Parenting styles and self-esteem. *Scripps Senior Theses, 15*, 1-34.
- Eisenberg, N., Spinrad, T. L., & Knafo-Noam, A. (2015). Prosocial development. In M. E. Lamb, C. Garcia Coll, & R. M. Lerner (Eds.), *Handbook of child psychology, Vol. 3, Social, emotional, and personality development* (pp. 610-656), New York: Wiley.
- Epstein, N. B., & Zheng, L. (2017). Cognitive-behavioral couple therapy. *Current Opinion in Psychology, 13*, 142-147.
- Flett, G. L., Galfi-Pechenkov, I., Molnar, D. S., Hewitt, P. L., & Goldstein, A. L. (2012). Perfectionism, mattering, and depression: A mediational analysis. *Personality and Individual Differences, 52*, 828-832.
- George, M. W., Fairchild, A. J., Cummings, E. M., & Davies, P. T. (2014). Marital conflict in early childhood and adolescent disordered eating: Emotional insecurity about the marital relationship as an explanatory mechanism. *Eating Behaviors, 15*, 532-539.
- Gluschkoff, K., Keltikangas-Järvinen, L., Pulkki-Råback, L., Jokela, M., Viikari, J., Raitakari, O., et al. (2017). Hostile parenting, parental psychopathology, and depressive symptoms in the offspring: A 32-year follow-up in the Young Finns study. *Journal of Affective Disorders, 208*, 436-442.
- Gurtman, M. B. (1996). Interpersonal problems and the psychotherapy context: The construct validity of the Inventory of Interpersonal Problems. *Psychological Assessment, 8*, 241-255.
- Hastings, P., Miller, J., & Troxel, N. R. (2015). Making good: The socialization of children's prosocial development. In J. Grusec & P. D. Hastings (Eds.), *Handbook of socialization: Theory and research* (pp. 637-666). New York: Guilford Press.
- Horowitz, L. M., Rosenberg, S. E., & Bartholomew, K. (1993). Interpersonal problems, attachment styles, and outcome in brief psychotherapy. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 61*, 549-560.
- Horowitz, L. M., Rosenberg, S. E., Baer, B. A., Ureno, G., & Villasenor, V. S. (1988). Inventory of Interpersonal Problems: Psychometric properties and clinical applications. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 56*, 885-892.
- Huprich, S. K., Lengu, K., & Evich, C. (2016). Interpersonal problems and their relationship to depression, self-esteem, and malignant self-regard. *Journal of Personality Disorders, 30*, 742-761.
- Jaiswal, P., Jilani, A. Q., Shukla, D., Dalal, P. K., Tripathi, A., Singh, S., et al. (2016). Marital quality and its relation with depression: A case-control study. *International Journal of Advances in Medicine, 3*, 591-595.
- Jarnecke, A. M., South, S. C., Elkins, I. J., Krueger, R. F., Tully, E. C., & Iacono, W. G. (2016). The role of parental marital discord in the aetiology of externalizing problems during childhood and adolescence. *Development and Psychopathology, 29*, 177-188.
- Jiang, H., Wang, L., Zhang, Q., Liu, D. X., Ding, J., Lei, Z., et al. (2015). Family functioning, marital satisfaction and social support in hemodialysis patients and their spouses. *Stress and Health, 31*, 166-174.
- Johnson, M. D., & Galambos, N. L. (2014). Paths to intimate relationship quality from parent-adolescent relations and mental health. *Journal of Marriage and Family, 76*, 145-160.
- Johnson, M. D., Galambos, N. L., & Krahn, H. J. (2015). Self-esteem trajectories across 25 years and midlife intimate relations. *Personal Relationships, 22*, 635-646.
- Jones, J. D., Cassidy, J., & Shaver, P. R. (2015). Parents' self-reported attachment styles: A review of links with parenting behaviors, emotions, and cognitions. *Personality and Social Psychology Review, 19*, 44-76.

- Kenny, D. A. (2014). Tests of distinguishability using multilevel modeling. *Journal of Organizational Behavior, 34*, 714-734.
- Kochendorfer, L. B., & Kerns, K. A. (2017). Perceptions of parent-child attachment relationships and friendship qualities: Predictors of romantic relationship involvement and quality in adolescence. *Journal of Youth and Adolescence, 46*, 1009-1021.
- Kretschmer, T., Vollebergh, W., & Oldehinkel, A. J. (2017). Parent-child positivity and romantic relationships in emerging adulthood: Congruence, compensation, and the role of social skills. *International Journal of Behavioral Development, 41*, 198-210.
- Kumari, C., & Khanna, A. (2016). Parenting styles and moral judgment among adolescents. *IJAR, 2*, 572-574.
- Laboviti, B. (2015). Perceived parenting styles and their impact on depressive symptoms in adolescent 15-18 years old. *Journal of Educational and Social Research, 5*, 171-176.
- Lansford, J. E. (2017). An international perspective on parenting and children's adjustment. In N. J. Cabrera, & B. Leyendecker (Eds.), *Handbook on positive development of minority children and youth* (pp. 107-122). Switzerland: Springer.
- Lawson, D. M., & Brossart, D. F. (2013). Interpersonal problems and personality features as mediators between attachment and intimate partner violence. *Violence and Victims, 28*, 414-428.
- Li, X., & Xie, J. (2017). Parenting styles of Chinese families and children's social-emotional and cognitive developmental outcomes. *European Early Childhood Education Research Journal, 25*, 637-650.
- Lucas-Thompson, R. G., & George, M. W. (2017). Do marital conflict behaviors in response to a novel stressor uniquely predict adolescent outcomes? *Journal of Child and Family Studies, 26*, 1-14.
- Maccoby, E. E., & Martin, J. A. (1983). Socialization in the context of the family: Parent-child interaction. In P. Mussen (Ed.), *Handbook of child psychology* (pp. 1-101). New York: Wiley.
- Madden, A. R., & Shaffer, A. (2016). The relation between parentification and dating communication: The role of romantic attachment-related cognitions. *The Family Journal, 24*, 313-318.
- Malouff, J. M., Schutte, N. S., & Thorsteinsson, E. B. (2014). Trait emotional intelligence and romantic relationship satisfaction: A meta-analysis. *The American Journal of Family Therapy, 42*, 53-66.
- Malti, T., Eisenberg, N., Kim, H., & Buchmann, M. (2013). Developmental trajectories of sympathy, moral emotion attributions, and moral reasoning: The role of parental support. *Social Development, 22*, 773-793.
- Markey, P., Markey, C., Nave, C., & August, K. (2014). Interpersonal problems and relationship quality: An examination of gay and lesbian romantic couples. *Journal of Research in Personality, 51*, 1-8.
- McEvoy, P. M., Burgess, M. M., Page, A. C., Nathan, P., & Fursland, A. (2013). Interpersonal problems across anxiety, depression, and eating disorders: A transdiagnostic examination. *British Journal of Clinical Psychology, 52*, 129-147.
- Morledge, C. L., & Webb, L. M. (2016). emotional intelligence and conflict in romantic relationships among college students. In: P. M. Kellett, & T. G. Matyok (Eds.), *Transforming conflict through communication in personal, family, and working relationships* (pp. 225- 253). New York: Lexington Books.
- Nwankwo, B. E., & Agu, S. A. (2017). Influence of gender and parenting style on emotional intelligence among adolescents. *SOSAC, 1*, 2-18.
- Of conflict management styles across inter-parental and adolescent relationships. *Journal of Research in Adolescence, 27*, 1-17.
- Pastorelli, C., Lansford, J. E., Luengo Kanacri, B. P., Malone, P. S., Di Giunta, L., Bacchini, D., et al. (2016). Positive parenting and children's prosocial behavior in eight countries. *Journal of Child Psychology and Psychiatry, 57*, 824-834.
- Peña, L., Lorenzo-Blanco, E. I., Perez, A., Morello, P., Arillo Santillán, E., Kollath-Cattano, C., et al. (2017). Parental style and its association with substance use in Argentinean youth. *Substance Use & Misuse, 52*, 518-526.
- Peterson, C. M., Peugh, J., Loucks, L., & Shaffer, A. (2017). Emotional maltreatment in family of origin and young adult romantic relationship satisfaction: A dyadic data analysis. *Journal of Social and Personal Relationships, 34*, 1-17.
- Piko, B. F., & Balázs, M. Á. (2012). Control or involvement? Relationship between authoritative parenting style and adolescent depressive symptomatology. *European Child & Adolescent Psychiatry, 21*, 149-155.
- Pollock, B. E., Khaddouma, A., Huet-Cox, K., Fillauer, J. P., & Bolden, J. (2017). Emotional intelligence, relationship satisfaction, and the moderating effect of ADHD symptomatology. *Journal of Adult Development, 24*, 15-21.
- Ren, L., & Edwards, C. P. (2017). Chinese parents' expectations and child preacademic skills: The indirect role of parenting and social

- competence. *Early Education and Development*, 28, 1-20.
- Rice, L. M., & Williams, S. R. (2017). How different parenting styles affect children's self-esteem. *University Presentation Showcase Event*, 47, 83-98.
- Rinaldia, C. M., & Howe, N. (2012). Mothers' and fathers' parenting styles and associations with toddlers' externalizing, internalizing, and adaptive behaviors. *Journal of Early Childhood Research Quarterly*, 27, 266-273.
- Robles, T. F., Slatcher, R. B., Trombello, J. M., & McGinn, M. M. (2014). Marital quality and health: A meta-analytic review. *Psychological Bulletin*, 140, 140-291.
- Rust, J., Bennun, I., Crow, M., & Golombok, S. (1986). The Golombok-Rust inventory of marital state questionnaire. *Sexual and Marital Therapy*, 1, 55-60.
- Simpson, J. A., & Rholes, W. S. (2017). Adult attachment, stress, and romantic relationships. *Current Opinion in Psychology*, 13, 19-24.
- Smetana, J. G., & Ahmad, I. (2017). Heterogeneity in perceptions of parenting among arab refugee adolescents in Jordan. *Child Development*, 24, 1-17.
- Smokowski, P. R., Bacallao, M. L., Cotter, K. L., Caroline, B., & Evans, R. (2015). The effects of positive and negative parenting practices on adolescent mental health outcomes in a multicultural sample of rural youth. *Child Psychiatry and Human Development*, 46, 333-345.
- Staats, S., Valk, I. E., Meeus, W. H., & Branje, S. J. (2016). Longitudinal transmission
- Stafford, M., Kuh, D. L., Gale, C. R., Mishra, G., & Richards, M. (2016). Parent-child relationships and offspring's positive mental wellbeing from adolescence to early older age. *The Journal of Positive Psychology*, 11, 326-337.
- Steinberg, L., & Silk, J. S. (2003). Parenting adolescents. In M. H. Bornstein (Ed.), *Handbook of parenting: Children and parenting* (pp. 103-133). New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.
- Tavassolie, T., Dudding, S., Madigan, A. L., Thorvardarson, E., & Winsler, A. (2016). Differences in perceived parenting style between mothers and fathers: Implications for child outcomes and marital conflict. *Journal of Child and Family Studies*, 25, 20-55.
- Tyrell, F. A., Wheeler, L. A., Gonzales, N. A., Dumka, L., & Millsap, R. (2016). Family influences on Mexican American adolescents' romantic relationships: Moderation by gender and culture. *Journal of Research on Adolescence*, 26, 142-158.
- Weidmann, R., Ledermann, T., & Grob, A. (2017). The interdependence of personality and satisfaction in couples. *European Psychologist*, 21, 284-295.
- Widom, C. S., Czaja, S., & Dutton, M. A. (2014). Child abuse and neglect and intimate partner violence victimization and perpetration: A prospective investigation. *Child Abuse & Neglect*, 38, 650-663.
- Wilson, S., Revelle, W., Stroud, C. B., & Durbin, C. E. (2013). A confirmatory bifactor analysis of the Inventory of Interpersonal Problems—Circumplex and associations of interpersonal traits across multiple relationship contexts and measures. *Psychological Assessment*, 25, 353-365.
- Xie, Q., Fan, W., Wong, P., & Cheung, F. M. (2016). Personality and parenting style as predictors of life satisfaction among Chinese secondary students. *The Asia-Pacific Education Researcher*, 25, 423-435.
- Zemp, M., Milek, A., Davies, P. T., & Bodenmann, G. (2016). Improved child problem behavior enhances the parents' relationship quality: A randomized trial. *Journal of Family Psychology*, 30, 896-906.